

Political transparency and strategies to promote popular participation in the Islamic Republic

Abstract

Sustainable participation of the people in various fields is a necessary condition for the establishment of religious democracy. One of the important components that leads to the sustainable participation of the people in various political spheres is the transparent performance of political officials and institutions, which is called political transparency. In other words, political transparency is the basis for sustainable public participation, so that if transparency is achieved in all its features, popular participation and its fruits will be visible. Accordingly, the main question of the present study is formulated as follows: given the conditions and requirements of the Islamic Republic of Iran, how and by what strategies can the principle of political transparency lead to the promotion of sustainable popular political participation? In order to answer this question, first using the focus group methodology, the situation of public participation in Iran was pathologically examined and then with the focus on the principle of transparency, under three categories of political and legal, structural and technical, and cultural and social, an appropriate response to these harms was provided.

Keywords: Public Participation, harms of Participation, Transparency, Political Transparency.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۱۸۷-۳۲۱۰

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.305616.2394>

شفافیت سیاسی و راهکارهای ارتقای مشارکت مردمی در جمهوری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

میثم قهرمان^۱

حسین وضعی^۲

چکیده

مشارکت پایدار مردم در عرصه‌های مختلف شرط لازم برای تحقق مردم‌سالاری دینی است. یکی از مؤلفه‌های مهمی که موجب مشارکت پایدار مردم در حوزه‌های مختلف سیاسی می‌شود، عملکرد شفاف مسئولان و نهادهای سیاسی است که در اصطلاح شفافیت سیاسی نامیده می‌شود. به بیان دیگر، شفافیت سیاسی زمینه‌ساز مشارکت پایدار مردم به شمار می‌رود، به طوری که اگر شفافیت با تمام ویژگی‌های خود مسیر تحقق را بی‌نماید، مشارکت مردمی و ثمرات آن نمایان خواهد شد. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر بدین شرح تنظیم شده است که با در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات جمهوری اسلامی ایران، اصل شفافیت سیاسی چگونه و با استفاده از چه راهکارهایی می‌تواند به ارتقای مشارکت سیاسی پایدار مردمی بیانجامد؟ جهت پاسخ به این سؤال ابتدا با استفاده از روش کانونی، وضعیت مشارکت مردمی در ایران آسیب‌شناسی و سپس کوشیده شد تا با محوریت اصل شفافیت، ذیل سه دسته‌ی سیاسی و حقوقی، ساختاری و فنی، و فرهنگی و اجتماعی، پاسخی مناسب به این آسیب‌ها ارائه شود. کلمات کلیدی: مشارکت مردمی، آسیب‌های مشارکت، شفافیت، شفافیت سیاسی.

^۱عضو هیئت علمی گروه پژوهشی مطالعات تاریخی انقلاب اسلامی (مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

^۲دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

شفافیت به عنوان مؤثرترین ابزار برای استقرار دولتی کارآ و ایجاد جامعه‌ای پایدار محسوب می‌شود. هر قدر شفافیت و انتشار اطلاعات در جوامع بیشتر باشد امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و پاسخگویی در مورد چگونگی تخصیص و مصرف منابع، بیشتر می‌شود و امکان رشد فساد کاهش می‌یابد. بنابراین، شفافیت به‌عنوان ابزاری برای رشد و توسعه جوامع ضروری است (حساس یگانه و خیراللهی، ۱۳۸۷: ۷۵). با توجه به ضرورت شفافیت سیاسی، این موضوع در سال‌های اخیر مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفته است اما همواره چالش‌هایی پیش‌روی این مفهوم و آنچه در صحنه‌ی عمل اتفاق می‌افتد، قرار دارد.

یکی از این چالش‌ها این است که باید به‌طور همزمان هم مردم و هم حکومت را به‌عنوان پایه‌های اساسی شفافیت در نظام‌های سیاسی در نظر گرفت زیرا توجه به هر کدام از این دو بدون توجه شایسته و برابر به دیگری، شفافیت سیاسی را دچار آسیب‌هایی می‌سازد که تحقق کامل آن را گاه ناممکن می‌کند. متأسفانه این موضوع به دلیل فهم ناقص و تک‌بعدی از شفافیت سیاسی، مورد غفلت قرار گرفته و شفافیت سیاسی تنها به ارائه اطلاعات به صورت یک‌سویه از طرف دولت منحصر شده و به جایگاه مردم، سایر ثمرات منتج از تحقق شفافیت و امکان استفاده درست از اطلاعات منتشر شده از سوی دولت توجه شایسته‌ای نشده است. علاوه بر این شفافیت سیاسی در نظر بسیاری از دولت‌مردان و سیاست‌پیشگان تنها به جمع‌آوری اطلاعات شهروندان از طرق مختلف توسط حاکمیت و استفاده از آن‌ها در عرصه‌ی سیاست‌گذاری و ارائه‌ی آمارهای گوناگون تعبیر می‌شود. حال آنکه این خود تنها بخش کوچکی از شفافیت در رابطه‌ی دوسویه‌ی شفاف مردم و حاکمیت است و انحصار تمام‌معنا در این بخش کوچک ثمره‌ای از شفافیت را عاید حاکمیت و مردم نخواهد کرد.

نوع مشارکت مردم در شفافیت سیاسی و میزان آن یکی دیگر از این چالش‌هاست که در برخی از نظام‌های دموکراتیک به‌ویژه در نظام جمهوری اسلامی به صورت جدی مطرح است. سنگ بنای مشارکت مردم در امور و نقش‌آفرینی در مقاطع مورد نیاز، داشتن آگاهی و اطلاعات صحیح است. شفافیت برای اینکه مردم آگاهانه در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت کنند، ضروری است زیرا که هدف حکومت‌های مردم‌سالار چیزی جز مشارکت آگاهانه و مؤثر مردم در تعیین سرنوشت خود نیست. داشتن اطلاعات درست، یکی از پیش‌شرط‌هایی است که به شهروندان امکان می‌دهد براساس آن، هوشیارانه و آگاهانه انتخاب کنند (عبدالحسین‌زاده و ثنائی، ۱۳۹۴: ۲).

این پژوهش با محوریت این سؤال که راه‌کارهای ارتقای مشارکت مردم در شفافیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران کدامند، به دنبال آن است که نقش‌های متفاوت و مختلف مردم در پازل شفافیت سیاسی را بر شمرده و اقتضائات هر کدام را تبیین کند تا بدین وسیله بتوان آن‌ها را تبدیل به یک بازیگر فعال (و نه منفعل) در این عرصه کرد. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر در پی آن است که با روشن شدن جایگاه عموم مردم در شفافیت سیاسی و روندهای آن، امکان استفاده درست از ظرفیت‌ها، توان و نیروی فکری آن‌ها در این فرآیند را فراهم آورد، به این معنا که مشخص شود مردم در کجای نظام شفافیت سیاسی قرار دارند و نسبت آن‌ها با دولت به عنوان اولین عنصر و بازیگر در این عرصه و سازمان‌های واسطه به‌عنوان تسهیل‌گران روندهای شفافیت در جامعه چیست.

جهت گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر از روش «گروه کانونی» استفاده شده است. طبق تعریف مرسوم، پژوهش گروه کانونی شیوه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های کیفی است که افراد را در یک بحث گروهی غیررسمی (یا چندین بحث) پیرامون موضوعی خاص یا مجموعه‌ای از موضوعات وارد می‌کند (Wilkinson, 2004: 177). تعامل بین اعضای گروه، ویژگی کلیدی و مهم این شیوه تحقیقی است که براساس آن گروه‌های کانونی از مصاحبه گروهی که تعاملی بین مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده است، متمایز می‌شوند. در این موقعیت گروهی افراد با پویایی و انرژی به دیدگاه‌های دیگر واکنش نشان می‌دهند، به طوری که طرح تنها یک پیشنهاد یا موضوع می‌تواند زنجیره‌ای از پاسخ‌ها و واکنش‌ها را از سوی حاضران ایجاد کند. این نوع تعامل با عنوان تأثیر «هم‌نیروزادی» توصیف می‌شود که بر همین اساس، برخی پژوهشگران معتقدند در گروه‌های کانونی اطلاعات به نسبت بیشتری در مقایسه با شیوه‌های پژوهشی دیگر به دست می‌آید (Berg, 1989: 357). جنبه تعاملی گروه کانونی، فرصتی را فراهم می‌سازد که افراد با دیدگاه‌های گوناگونی آشنا شوند و از این طریق بتوانند نه تنها ایده‌های خود را شکل بلکه مورد بررسی مجدد نیز قرار دهند.

(۱-۱) تعداد افراد مناسب برای انجام پژوهش به صورت گره کانونی

تعداد افراد مناسب برای انجام پژوهش به صورت گره کانونی معمولاً بین شش تا دوازده نفر بیان شده است. «بوم‌گارتنر» و همکارانش در پژوهشی که با روش گره کانونی انجام داده‌اند، دلیل این موضوع را چنین بیان کرده‌اند: «تعداد افراد باید به میزانی باشد که اطلاعات متنوعی به دست آید و از سوی دیگر، آنقدر زیاد نباشد که اعضا از به اشتراک گذاشتن و طرح ایده‌ها، باورها و تجربیات خویش احساس ناراحتی کنند» (Baumgartner & Hensley, 2002: 194).

(۲-۱) جامعه‌ی آماری پژوهش

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل برخی اساتید دانشگاه، پژوهشگران و اعضای اندیشکده‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه‌ی شفافیت و مشارکت می‌شود. طبق آنچه در خصوص تعداد افراد مناسب برای انجام پژوهش به صورت گره کانونی گفته شد، جامعه‌ی نمونه در این پژوهش ۸ نفر از پژوهشگران این حوزه‌اند که به روش نمونه‌گیری هدفمند نظری انتخاب شده‌اند. نمونه‌گیری هدفمند را در صورتی می‌توان به کار گرفت که محققان از پرسش‌های خاص تحقیق و ویژگی‌های کلیدی که برای انتخاب اعضای گروه کانونی مورد نظر است، آگاه باشند و در این صورت می‌توان گفت تمامی ابعاد موضوع مورد نظر پوشش داده شده است. در نهایت، توجه به اصل اشباع، عامل راهنمایی‌کننده در تعیین تعداد گروه‌های کانونی است.

(۳-۱) نحوه‌ی انجام مصاحبه‌ی کانونی

باتوجه به پرسش‌های پژوهش و با استفاده از اطلاعات به دست آمده و مطالعات پیشین محققان، پرسش‌نامه‌ای حاوی سؤالات ذیل جهت انجام مصاحبه‌ی کانونی از نوع نیمه‌ساختارمند تهیه شد.

الف. به نظر شما وضعیت مشارکت مردم در شفافیت سیاسی چگونه است؟

ب. در حال حاضر چه راه‌هایی برای مشارکت مردم با محوریت شفافیت سیاسی می‌شناسید؟

ج. کارآمدی این راه‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

د. چه راه‌ها یا بسترهای جدیدی برای مشارکت دادن مردم با محوریت شفافیت سیاسی می‌شناسید؟

ه. تفاوت این راه‌ها با راه‌ها و روش‌های پیشین در چیست؟

و. کدام تجربیات بین‌المللی در این حوزه قابل استفاده و بهره‌گیری است؟

ز. برای اصلاح و ارتقای مشارکت مردم برحسب شفافیت سیاسی کدام اقدامات باید صورت گیرد؟

ح. چه اقدامات و اصلاحات ساختاری برای ارتقای مشارکت با محوریت شفافیت سیاسی لازم است؟

ط. تصویب کدام قوانین در زمینه‌ی ارتقای مشارکت مردم با محوریت موضوع شفافیت سیاسی لازم است؟

پس از انتخاب اعضای گروه کانونی و انجام هماهنگی‌های لازم تعداد دو جلسه گروه کانونی با مشارکت ۹ نفر (هشت پژوهشگر و یک مصاحبه‌کننده) که همگی دارای حداقل مدرک کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های علوم سیاسی، حقوق عمومی، مدیریت دولتی، سیاست‌گذاری عمومی و خط‌مشی‌گذاری عمومی بودند، برگزار شد. مشخصات اعضای گروه کانونی به‌طور کامل در جدول زیر آمده است.

تعداد	مدرک دانشگاهی	رشته دانشگاهی
۱	کارشناسی ارشد - دانشجوی دکتری	علوم سیاسی
۲	کارشناسی ارشد - دانشجوی دکتری	جامعه‌شناسی سیاسی
۳	دکتری	سیاست‌گذاری عمومی
۲	کارشناسی ارشد	مدیریت دولتی
۱	دکتری	حقوق عمومی

روش اجرای مصاحبه بدین شرح بود که از سوال یک پرسش آغاز و تمامی پاسخ‌ها توسط همکار محقق جمع‌آوری و یادداشت می‌شد. ضمناً در این روش از سوالات باز جهت دستیابی به حداکثر داده‌ها و از یک مقیاس محقق ساخته جهت اعتباریابی داده‌ها استفاده شد. بدین منظور پس از ثبت و پالایش داده‌ها، مولفه‌های به دست آمده در جدولی ثبت و از پژوهشگران خواسته شد تا در

مورد اهمیت آن‌ها یکی از اعداد ۱ تا ۵ را انتخاب کنند (عدد ۱ برای کمترین اهمیت و عدد ۵ برای بیشترین اهمیت)؛ میانگین اعداد به دست آمده اهمیت نهایی آن مولفه را مشخص ساخت.

پس از پیاده‌سازی و تلخیص آن‌چه از گروه‌کانونی به دست آمد، روش تحلیل محتوا جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش تحلیل محتوا بویژه زمانی که تحقیق اکتشافی است، از سودمندی خاصی برخوردار است. بنابراین، از روش کدگذاری داده‌ها استفاده و برای عبارت یا جمله‌هایی که دلالت معنایی یکسان یا مشابهی داشتند، یک کد مشخص اختصاص داده شد. پس از انجام مراحل مذکور، در نوشتار حاضر کدهای به دست آمده تحلیل و در قالب طبقه‌بندی خاصی ارائه خواهد شد. پیش از انجام این کار، ضروری است که تأملی اجمالی در خصوص برخی از مفاهیم اساسی پژوهش داشته باشیم. به بیان دیگر، هرچند به دلیل ماهیت اکتشافی روش پژوهش و با توجه به اینکه شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ی کانونی ممکن است از منظرهای مختلف وارد بحث شوند، از چارچوب نظری خاصی در پژوهش بهره نخواهیم برد اما ضروری است جهت آشنایی با مفاهیم مورد استفاده در تحقیق، تعاریفی کلی از آن‌ها که مورد اجماع شرکت‌کنندگان در مصاحبه نیز قرار دارد، ارائه شود. گفتنی است مفاهیمی که در ادامه تشریح می‌شوند در طول مصاحبه‌های کانونی به کرات مورد استفاده قرار گرفته و جزئیات عملیاتی آن‌ها به بحث گذاشته شده است.

۲) تعریف مفاهیم

۲-۱) شفافیت

اصطلاحاً شفافیت، در ارتباط با آشکار بودن و در دسترس بودن اطلاعات، داده‌ها و رویه‌ها جهت بررسی و نظارت بر آنها به کار می‌رود (Schauer, 2011: 1343). در این معنا، شفافیت در مقابل پنهان و پنهان‌کاری به کار می‌رود. به عبارت ساده‌تر، هر چیزی که از دید عموم پنهان نباشد، معنای شفافیت را می‌رساند. در این خصوص، امانوئل کانت، در عباراتی شفافیت را به عنوان آزمونی برای مشروعیت معرفی کرده است. «اعمالی که با حق دیگران ارتباط دارد، اگر اصل پایه‌ای شان اجازه‌ی در منظر عموم قرار گرفتن را ندهد، ضد حق و قانون است» (Chambers, 2004: 406).

۲-۲) شفافیت سیاسی

در علم سیاست، شفافیت بدین معنا است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد به آن‌ها امکان دهیم تا از آن‌چه دولت‌ها انجام می‌دهند، آگاه شوند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۵۲۶). به بیان دیگر، شفافیت سیاسی به معنای شفافیت تولیدکنندگان اطلاعات سیاسی است. یعنی شفافیت بازوهای اداری، تقنینی و اجرایی حکومت (Williams, 2014: 10).

تعاریف متنوعی از مفهوم شفافیت در حوزه حکم‌رانی مطرح شده است که در ادامه برخی از آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- وضوح و اثربخشی فعالیت‌ها با تأثیر بر سیاست عمومی (Drabek & Payne, 2002: 780)

• انتشار اطلاعات به صورت قاعده‌مند و دقیق (Mitchell, 1998:109)

• جریان اطلاعات قابل اتکا و به‌هنگام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که برای همه‌ی ذی‌نفعان مرتبط در دسترس

باشد (Bellver & Daniel, 2005:4).

۲-۳) مشارکت

مشارکت به معنی به‌کارگرفتن منابع شخصی به‌منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۲). به بیان دیگر، مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی و در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های اداری و سیاسی و انداختن رأی به صندوق تا مساعدت مستقیم به ارضای نیازهای اجتماعی و همچنین دخالت مردم در کارکرد سازمان‌هایی است که حیات کاریشان به آن بستگی دارد. علاوه‌براین مفهوم مشارکت درگیری مردم در سازمان‌های مذهبی و غیرمذهبی، انجمن‌ها و جنبش‌هایی از همه نوع که حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما مستقیماً به توزیع قدرت مربوط نمی‌شوند و جنبش‌هایی که زندگی خصوصی را متأثر می‌سازد ولی به‌طور مستقیم با اهداف اقتصادی مرتبط نیستند را دربرمی‌گیرد (جباری، ۱۳۷۸: ۷).

۲-۴) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی، بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به‌نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از «فعالیت شهروندان خصوصی به‌منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۷۷).

آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم سالاری مشارکتی اشاره می‌کند و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیمات به‌طور جمعی توسط کسانی که این تصمیمات بر زندگی شان تأثیرگذار است، گرفته می‌شود. از طرفی «حیث اولوف پیترسون»^۳ مشارکت سیاسی را به‌عنوان «تلاش‌هایی که با هدف تأثیرگذاری بر جامعه صورت می‌گیرد» تعریف می‌کند (تاج‌زینانی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

۳) آسیب‌شناسی مشارکت مردمی در ایران

در این بخش ابتدا متن پیاده شده از جلسه گروه کانونی آسیب‌شناسی مشارکت مردمی در ایران با استفاده از کدهای باز مورد گذراری قرار می‌گیرد. سپس ضمن حذف و ادغام کدهای با دلالت معنایی مشابه، طی دو مرحله به‌منظور دستیابی به مقولات

^۳Participation
^۴Heath aleph Peterson

کلی تر، کدها دسته‌بندی می‌شوند (در قالب دو مقوله). به بیان دیگر، در مرحله بعد کدهای به دست آمده با تلخیص و ترکیب بر اساس شباهت‌های محتوایی به مقوله‌های بزرگتری تقسیم می‌شوند. در نهایت مدل حاصله را می‌توان در قالب جدول زیر نشان داد.

شایان ذکر است، در نهایت کدهای به دست آمده با بهره‌گیری از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مورد اعتبار سنجی قرار خواهند گرفت. گفتنی است، به دلیل طولانی شدن مقاله صرفاً به کدهای اختصاص داده شده به «گزیده نقل قول‌ها» که دربرگیرنده‌ی «مشکلات متناظر» مطرح شده توسط گروه کانونی‌اند، بسنده می‌شود و از آوردن متن نقل قول‌ها پرهیز خواهد شد.

چالش (مقوله دوم)	مسئله (مقوله نخست)	مشکل متناظر (کدهای به دست آمده)	
حقوقی و سیاسی	فقدان اراده	فقدان برنامه جامع راهبردی مشارکت	
		عدم امکان مشارکت در کارویژه‌های حاکمیت	
		نبود نگاه زیرساختی، بلندمدت و پیشگیرانه به مشارکت	
		تفاوت آرا در رده‌های بالای نظام سیاسی	
فقدان یا ضعف قوانین	نبود الزامات قانونی برای مشارکت	تداخل و پیچیدگی قوانین	
		عدم حمایت قانونی از مشارکت‌کنندگان (برای مثال سوت‌زن‌ها)	
		مقاومت بدنه حاکمیت به علت ذی‌نفعی	
فنی و ساختاری	ساختار ناآماده	پیچیدگی‌های ساختاری	
		عدم باور بدنه حاکمیت به دموکراسی مستقیم	
		نقوذپذیری سامانه‌ها	
	ضعف بستر فنی	فقدان پرتال ملی مشارکت	فقدان پرتال ملی مشارکت
			ترس بروکراتیک از مشارکت مردم در فرایندها

بی توجهی به نقش فناوری‌های روز در تسهیل مشارکت		
تسلط فرهنگ محرم‌انگی در حکم‌رانی	ناسازگاری فرهنگی	فرهنگی اجتماعی
سوءاستفاده از مشارکت		
تقلیل نقش مشارکت به مشروعیت‌بخشی		
عدم مشارکت‌طلبی حاکمیت	بی تفاوتی اجتماعی	
عدم مشارکت مردم		
نبود روحیه مطالبه‌گری		
سلطه‌ی نگاه‌های عقیدتی و فلسفی مخالف با مشارکت	تفسیر غلط از مشارکت	
نگاه هراسناک و امنیتی به مشارکت		
نگاه سطحی یا عدم درک مفهوم مشارکت		
باور مالکیت خواص بر حکمرانی		

جدول ۱- آسیب‌شناسی مشارکت مردمی در ایران

همان‌طور که از داده‌های جدول فوق مشخص می‌شود، عارضه‌ها و آسیب‌های مشارکت عمومی را می‌توان ذیل سه دسته‌ی حقوقی و سیاسی، فنی و ساختاری، و فرهنگی و اجتماعی طبقه‌بندی کرد که در ادامه به صورت اجمالی این سه دسته مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۳) آسیب‌های حقوقی و سیاسی

آسیب‌های حقوقی و سیاسی را می‌توان در دو دسته‌ی کلی «ضعف اراده سیاسی» و «فقدان یا ضعف قانونی» طبقه‌بندی کرد. براساس داده‌های حاصله مهم‌ترین مانع بر سر راه مشارکت مردمی، نبود اراده از سوی حکومت برای هموارسازی این راه است. نبود اراده‌ی لازم موجب شده برنامه‌ی روشنی برای جلب مشارکت مردم وجود نداشته باشد. عدم وجود برنامه بلند مدت، عدم شناسایی توانمندی‌های بومی مردم هر منطقه، عدم احصای زمینه‌های مشارکت‌جویی از مردم و مواردی از این دست، همگی نشانه‌هایی از عدم حرکت حکومت برای ایجاد زیرساخت‌های مشارکت‌جویی است. علاوه‌بر نبود اراده از سوی حکومت، می‌توان

به عارضه‌های دیگری نظیر وضعیت نابسامان نهادهای مردمی، جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد (که می‌توانند نقش تسهیل‌گر فرآیندهای مشارکت‌جویی را ایفا کنند) نیز اشاره کرد.

۲-۳ آسیب‌های فنی و ساختاری

مهم‌ترین آسیب ساختاری مشارکت عمومی در جمهوری اسلامی مربوط به غیرمستقیم‌بودن ساختار دموکراسی در آن می‌شود. به بیان دقیق‌تر، ساختارهای جمهوری اسلامی که برپایه‌ی مدل بومی شده‌ی دموکراسی یعنی مردم‌سالاری دینی بنا شده‌اند، همگی متضمن دموکراسی غیرمستقیم‌اند؛ چنین طراحی‌ای موجب آسیب‌های قابل‌توجه ساختاری می‌شود زیرا هم نمایندگان در آن نمی‌توانند نمایندگان تمام مردم باشند و هم قوانین در مرحله‌ی اجرا (به دلیل تضاد منافع نمایندگان، مجریان و مردم) با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد.

علاوه بر معضلات ساختاری، مجموعه‌ای از ضعف‌های فنی نیز مشارکت عمومی مردم را دچار آسیب‌هایی کرده‌است. بی‌توجهی به فناوری‌های جدید موجب شده تسهیل مشارکت مردمی گاه امری ناممکن یا همراه با هزینه‌های فراوان به نظر رسد. در همین راستا عدم وجود یک پورتال ملی برای مدیریت مشارکت مردمی عملاً راه را برای ایجاد دیگر سامانه‌های مکمل فرآیندهای مشارکت‌جویی بسته است. احتمال نفوذ در سامانه‌ها و سرقت اطلاعات شخصی شرکت‌کنندگان نیز از دیگر نگرانی‌هایی که پای حرکت به سمت ایجاد بسترهای فنی را سست می‌کند.

۳-۳ آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی

ناسازگاری‌های فرهنگی از جمله مشکلاتی است که برطرف کردن آن‌ها گاهی سال‌ها به طول می‌انجامد. یکی از بزرگترین آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی موجود، تسلط فرهنگ محرمانگی در حاکمیت است که به نهادها و سازمان‌های حکومتی نیز تسری پیدا کرده‌است. داده‌ها و اطلاعات در ادارات دولتی به‌مثابه ابزار قدرتی در نظر گرفته می‌شوند که می‌بایست از آن برای سلطه بر مردم و تثبیت جایگاه نهاد در بین سایر نهادهای دولتی استفاده کرد. بدین ترتیب حتی در مواقعی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به ارباب‌رجوع نیز در اختیار وی قرار نمی‌گیرد چه برسد به آمار و اطلاعات دقیق. گسترش محرمانگی در سیستم بوروکراسی کشور طوری ریشه‌دوانده که گاهی مشاهده می‌شود حتی زمانی که سامانه‌ای برای یک فرآیند مشخص ایجاد شده‌است نیز اطلاعات کافی و روشن را دارا نیست. این‌ها همه در حالی است که استانداردهای محرمانگی در دیگر کشورها تعریف و آزموده شده و پایبندی افراطی به محرمانگی به اصول شفافیت ضربه‌زده و مشارکت را مختل می‌کند.

از دیگر آسیب‌های مطرح در این زمینه تقلیل و محدود کردن نقش مردم به حوزه مشروعیت‌بخشی به نظام است. فی‌الحال نماد بارز مشارکت عمومی مردم به دو مورد انتخابات و راهپیمایی‌های مناسبتی است که کاربرد هر دو در اصل تأیید مشروعیت نظام سیاسی است. در واقع حاکمیت مشروعیت خود را به این دو مورد گره زده‌است و خدشه در هر کدام را خدشه به مشروعیت خود

تلقی می‌کند. این نکته علاوه بر اینکه یک نگاه تقلیل‌گرایانه به مشارکت است، اجازه طراحی فرآیندهایی با دیدگاه حداکثری را نیز نمی‌دهد.

نکته‌ی دیگر، عدم ارائه‌ی آگاهی‌های لازم در زمینه‌ی حقوق و تکالیف شهروندان است که موجب فقدان روحیه‌ی مطالبه‌گری می‌شود. مطالبه‌گری و درخواست اطلاعات اولین قدم برای مشارکت است. تازمانی که خواست فردی و اجتماعی مبنی بر شفافیت صورت نگیرد نمی‌توان انتظاری از حاکمیت داشت. در شرایطی که یک خواست و مطالبه‌ی همگانی شکل نگرفته باشد، رفتار حکومت اقتدارگرایانه‌تر و آمرانه‌تر خواهد بود و روزه‌روز امکان مشارکت عمومی از مردم سلب خواهد شد.

مورد دیگر باورهای غلط و سوگیرانه است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. دوگانه‌هایی مانند خواص و عوام، عموم مردم را افرادی بی‌سواد، فاقد درک درست از مسائل، سرکش و نیازمند تربیت و کنترل تلقی می‌کند و خواص را افرادی متمدن، عالم، آگاه به مسائل کلان و دارای توانمندی‌های خاص در زمینه‌ی اداره‌ی کشور می‌داند. همین نگاه و برداشت غلط موجب پدیدآمدن رویه‌های تصمیم‌گیری بسته شده‌است. از طرفی وجود تابوهای ذهنی اشتباه در بین مردم نیز مانع تحریک درونی آن‌ها به مشارکت و مطالبه‌گری می‌شود. نگاه‌های سنتی مانند دوگانه‌هایی مانند ارباب و رعیت، که ریشه در نوع نظام سیاسی و اجتماعی دوره‌های قبل دارد، هنوز جای خود را ادبیات و دیدگاه‌های جدید نداده‌است. مورد اخیر هرچند در بین جوانان به‌ندرت مشاهده می‌شود ولی در جوامع محلی سنتی و دور از مرکز هنوز به قوت خود باقی است.

۴) راهکارهای ارتقای مشارکت مردمی با محوریت شفافیت سیاسی

پس از شناسایی آسیب‌های مشارکت مردمی در جمهوری اسلامی ایران از شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ی قانونی خواسته شد که با محوریت موضوع شفافیت سیاسی (بر مبنای روش نیمه‌ساختارمند که در بخش روش پژوهش توضیح داده شد)، راهکارهای متناظر برای مشکلات و آسیب‌های مطرح شده را نیز بیان کنند تا بر سر آن‌ها بحث و تبادل نظر صورت گیرد. پس از اینکه متن راهکارها به دست آمد، آن‌ها با استفاده از کدهای باز مورد گدگذاری قرار گرفتند. سپس ضمن حذف و ادغام کدهای با دلالت معنایی مشابه، این کدها طی دو مرحله به‌منظور دستیابی به مقولات کلی‌تر دسته‌بندی شدند. گفتنی است، در نهایت اعتبار کدهای به‌دست آمده با بهره‌گیری از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت. باتوجه به طولانی‌شدن مقاله مانند بخش قبل، صرفاً به کدهای اختصاص داده شده به «گزیده نقل قول‌ها» که دربرگیرنده‌ی «راهکارهای متناظر» گروه قانونی‌اند، بسنده می‌شود و از آوردن متن نقل قول‌ها پرهیز خواهد شد.

پیش از پرداختن به مقوله‌بندی کدهای به‌دست آمده درخصوص راهکارهای ارتقای مشارکت مردمی ضروری است که ابتدا در قالب جدول زیر راهکارهای متناظر برای هر مشکل یا عارضه که از سوی شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ی قانونی ارائه شده‌اند، آورده و سپس این راهکارها (که در واقع کدهای تخصیص داده شده به واحدهای معانی هستند)، مقوله‌بندی شوند.

مشکل یا عارضه (کدهای به‌دست‌آمده از بخش آسیب‌شناسی مشارکت)	راهکار متناظر (کدهای به‌دست‌آمده از بخش راهکارهای ارتقای مشارکت مردم)
فقدان برنامه جامع راهبردی مشارکت	شناسایی توانمندی‌های علمی و اجرایی جامعه‌ی نخبگانی و مردم بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان دانشگاهی در تدوین برنامه مد نظر
	اطلاع‌رسانی عمومی مشکلات و مسائل در دو سطح ملی و محلی
عدم امکان مشارکت در کارویژه‌های حاکمیت	مشارکت‌گیری از مردم در شناسایی و اولویت‌بندی مسائل جدید در سطح ملی و محلی
	مشارکت‌گیری از مردم در ارائه راه‌حل برای مسائل و اجرای آن‌ها در سطح ملی و محلی
	ایجاد یا ارتقای زیرساخت‌های دولت الکترونیک
تفاوت آرا در رده‌های بالای نظام سیاسی	ایجاد بسترهای موثر ارتباطی بین نهادهای حکومتی
	ارتقای دولت الکترونیک در راستای تسریع ارتباطات بین‌سازمانی
نبود الزامات قانونی برای مشارکت	استفاده از ظرفیت‌های قانونی جهت ایجاد شفافیت و مشارکت
	شناسایی خلأهای قانونی برای ارتقای مشارکت نخبگان و عموم مردم
تداخل و پیچیدگی قوانین	تبیین و تفسیر قوانین به زبان ساده و اطلاع‌رسانی عمومی آن‌ها
	مشارکت‌گیری از تمامی نخبگان حقوقی در تدوین قوانین با استفاده از سامانه‌های قانون‌نویسی مشارکتی
	تدوین قوانین حمایتی از مشارکت‌کنندگان به‌ویژه در حیطه‌های مبارزه با فساد
	رعایت اصول حریم شخصی جهت حمایت از هویت گزارشگران فساد

تدوین دستورالعمل‌های حمایتی در زمینه‌ی شغلی گزارشگران فساد	عدم‌حمایت قانونی از مشارکت‌کنندگان (برای مثال سوت‌زن‌ها)
ایجاد دستورالعمل‌های مدیریت تعارض منافع در نهادهای مختلف حاکمیتی	مقاومت بدنه حاکمیت به‌علت ذی‌نفعی
شفافیت و اعلام عمومی گلوگاه‌های تعارض منافع در نهادهای حاکمیتی	
حذف یا ادغام نهادها و سازمان‌های موازی با کارکرد مشابه	پیچیدگی‌های ساختاری
ایجاد پایگاه‌های داده‌های سازمانی و ارتقای استفاده‌پذیری آن‌ها	
ایجاد ارتباط بین پایگاه‌های داده‌ی سازمان‌های مختلف به‌منظور حذف فرآیندها زائد و پیچیده	
تسهیل فرآیندهای رأی‌گیری از مردم و ارتقای حق اظهارنظر باتوجه به ظرفیت‌های فضای وب	عدم‌باور بدنه حاکمیت به دموکراسی مستقیم
ایجاد سامانه‌هایی جهت ارتباط مستقیم و پیوسته نمایندگان مردم در شوراهای مختلف با مردم	نفوذپذیری سامانه‌ها
توجه به ایمن‌سازی سامانه‌ها و حراست از حریم خصوصی	
توسعه مراکز ذخیره‌سازی داخلی داده‌های ملی	
تجمع داده‌های پایگاه‌های داده‌ی سازمان دولتی	فقدان پرتال ملی مشارکت
ایجاد پنجره واحد مشارکت‌گیری از مردم با قابلیت هدایت هدفمند	ترس بروکراتیک از مشارکت مردم در فرایندها
بررسی و مرور تجربیات مثبت و اثربخش سایر کشورها در حوزه جمع‌سپاری	
تسهیل گام‌به‌گام ولی پیوسته بوروکراسی‌های پیچیده به سامانه‌های کارآمد برخط و بررسی نتایج هر گام	

توسعه شبکه ملی اطلاعات	بی توجهی به نقش فناوری های روز در تسهیل مشارکت
الگوگیری از تجربه ی سایر کشورها در زمینه ی بکارگیری فناوری های مبتنی بر اینترنت	
استفاده از ظرفیت شبکه های اجتماعی مجازی	
ایجاد نشان استاندارد شفافیت برای سازمان های دولتی و خصوصی	تسلط فرهنگ محرمانگی در حکمرانی
برگزاری مسابقات حکومتی ^۴ مبتنی بر شفافیت و ارائه داده با هدف افزایش مشارکت مردم	
راه اندازی آموزش های عمومی و دوره های آموزشی و علمی در جهت ارتقای فرهنگ شفافیت و مشارکت	
ایجاد نهاد تنظیم گر ^۵ به منظور نظارت بر سامانه های مبتنی بر مشارکت عمومی	سوء استفاده از مشارکت
استفاده از سازمان های مردم نهاد در حیطه های مختلف به عنوان نهادهای متولی ارتقای مشارکت	
ترویج فرهنگ گزارشگری فساد و سوت زنی به منظور مقابله موثر با فساد و تخلف	
تبیین نقش و جایگاه مردم در حاکمیت اسلامی	تقلیل نقش مشارکت به مشروعیت بخشی
ارتقای نقش مردم از حضور در انتخابات و راهپیمایی ها به اثرگذاری واقعی در حیطه مسائل اساسی نظام	
ترویج مفهوم حکمرانی باز	عدم مشارکت طلبی حاکمیت
تعیین انگیزه های مالی و هویتی در قبال مشارکت	عدم مشارکت مردم
ایجاد انگیزه با تسهیل فرآیندهای مشارکت مردم با ارائه اطلاعات به موقع	
افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی	نبود روحیه مطالبه گری

^۴Challenges
^۵Regulator

ایجاد فرآیندهای مکمل مطالبه‌گری مردمی و پیگیری مطالبات عمومی در نهادهای پارلمانی	
ترویج نگاه دینی به شفافیت و مشارکت با بهره‌گیری از منابع دینی و نقطه‌نظرات رهبران دینی	سلطه‌ی نگاه‌های عقیدتی و فلسفی مخالف با مشارکت
استفاده از ظرفیت جامعه مدنی به‌عنوان پل ارتباطی و عامل اعتباربخش به مشارکت عموم مردم	نگاه هراسناک و امنیتی به مشارکت
تعیین مرزهای اقدامات خرابکارانه و مشارکت سازنده	
ایجاد بسترهای مشارکت‌گیری نامحدود نسبت به زمان و مکان از مردم	نگاه سطحی یا عدم درک مفهوم مشارکت
بهره‌گیری و تاکید بر رهنمودهای رهبران دینی مبنی بر نقش اساسی مردم در حکومت	باور مالکیت خواص بر حکمرانی
بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسناد بالادستی نظام در زمینه مشارکت	
برنامه جامع فرهنگی و اجتماعی	وجود تابوهای ذهنی غلط از مشارکت مردم

جدول ۲- راهکارهای متناظر برای آسیب‌های شناسایی‌شده با محوریت موضوع شفافیت سیاسی

پس از شناسایی کدها (راهکارهای متناظر برای هر مشکل یا عارضه)، می‌توان آن‌ها را با تلخیص و ترکیب براساس شباهت‌های محتوایی به مقوله‌های بزرگتری تقسیم کرد. این کار را یک بار دیگر برای رسیدن به مقولات کلی انجام خواهیم داد. نتایج حاصله به شرح زیر است.

پاسخ (مقوله دوم)	اقدام (مقوله نخست)	راهکار متناظر (کدهای به دست آمده)
حقوقی و سیاسی	مشارکت‌گیری نهادینه از مردم در شناسایی مسائل و ارائه‌ی راه‌حل	اطلاع‌رسانی عمومی مشکلات و مسائل در دو سطح ملی و محلی
		مشارکت‌گیری از مردم در شناسایی و اولویت‌بندی مسائل جدید در سطح ملی و محلی

مشارکت‌گیری از مردم در ارائه راه‌حل برای مسائل و اجرای آن‌ها در سطح ملی و محلی		
ایجاد بسترهای موثر ارتباطی بین نهادهای حکومتی	توسعه‌ی دولت الکترونیک	
ایجاد زیرساخت‌های دولت الکترونیک		
شناسایی توانمندی‌های علمی و اجرایی جامعه‌ی نخبگانی و مردم	تدوین چشم‌انداز بلندمدت مشارکت	
شناسایی و رصد زمینه‌های مشارکت مردم با توجه به اقتضات بومی		
تبیین و تفسیر قوانین به زبان ساده و اطلاع‌رسانی عمومی آن‌ها	بهره‌گیری از قوانین موجود	
استفاده از ظرفیت‌های قانونی جهت ایجاد شفافیت و مشارکت		
شناسایی خلأهای قانونی برای ارتقای مشارکت نخبگان و عموم مردم	قانون‌گذاری‌های جدید در زمینه‌ی شفافیت و مشارکت	
مشارکت‌گیری از تمامی نخبگان حقوقی در تدوین قوانین با استفاده از سامانه‌های قانون‌نویسی مشارکتی		
تدوین قوانین حمایتی از مشارکت‌کنندگان به‌ویژه در حیطه‌های مبارزه با فساد		
حذف یا ادغام نهادها و سازمان‌های موازی با کارکرد مشابه	طراحی مجدد ساختارها	
مدیریت تعارض منافع در نهادهای مختلف حاکمیتی		
ایجاد نهاد تنظیم‌گر به‌منظور نظارت بر سامانه‌های مبتنی بر مشارکت عمومی	فنی و ساختاری	
بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد		

تسهیل دسترسی عمومی و بهبود فرآیندها	تسهیل فرآیندهای رأی‌گیری از مردم و ارتقای حق اظهار نظر باتوجه به ظرفیت‌های فضای وب
	ایجاد سامانه‌هایی جهت ارتباط مستقیم و پیوسته نمایندگان مردم در شوراهای مختلف با مردم
	ایجاد پایگاه‌های داده‌های سازمانی و ارتقای استفاده‌پذیری آن‌ها
توسعه زیرساخت‌های سامانه‌ای	توسعه مراکز ذخیره‌سازی داخلی داده‌های ملی
	ایجاد پنجره واحد مشارکت‌گیری از مردم
	توسعه شبکه ملی اطلاعات
تدوین برنامه‌ی جامع توسعه فنی	بررسی و مرور تجربیات مثبت و اثربخش سایر کشورها در حوزه جمع‌سپاری
	توسعه‌ی گام‌به‌گام و ارزیابی پیوسته
	الگوگیری از تجربه‌ی سایر کشورها در زمینه‌ی بکارگیری فناوری‌های مبتنی بر اینترنت
اقدامات انگیزشی و هویت‌ساز	ایجاد نشان استاندارد شفافیت برای سازمان‌های دولتی و خصوصی
	برگزاری مسابقات حکومتی ^۶ مبتنی بر شفافیت و ارائه داده با هدف افزایش مشارکت مردم
	تعیین انگیزه‌های مالی در قبال مشارکت‌های خاص
اقدامات ترویجی	ترویج مفهوم حکمرانی باز
	ترویج فرهنگ گزارشگری فساد و سوت‌زنی ^۷

^۶Challenges^۷WistleBlowing

تبیین نقش و جایگاه مردم در حاکمیت اسلامی		
ترویج نگاه دینی به شفافیت و مشارکت		
استفاده از ظرفیت جامعه مدنی به عنوان پل ارتباطی عموم مردم و حاکمیت		
افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی	اقدامات آگاهی‌بخش	
راه‌اندازی آموزش‌های عمومی و دوره‌های آموزشی و علمی		

جدول ۳ - راهکارهای ارتقای مشارکت مردم با محوریت موضوع شفافیت سیاسی

همان‌طور که از داده‌های جدول مشخص است راهکارهای ارتقای مشارکت مردم با محوریت شفافیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ذیل سه مقوله‌ی کلی جای داد که در ادامه با تحلیلی که از داده‌های جدول فوق ارائه خواهد شد، کوشیده می‌شود این مقولات مورد تدقیق بیشتری قرار گیرند.

۱-۴) راهکارهای سیاسی و حقوقی

باتوجه به آسیب‌های مطرح‌شده، مهم‌ترین راهکار، ارتقای شفافیت سیاسی از رهگذر مشارکت‌گیری نهادینه از مردم در شناسایی مسائل و ارائه‌ی راه‌حل خواهد بود. به‌طور مشخص در این زمینه سه پیشنهاد از سوی شرکت‌کنندگان در مصاحبه ارائه شد: اطلاع‌رسانی عمومی مشکلات و مسائل ملی و محلی، مشارکت‌جویی از مردم در اولویت‌بندی مسائل و مشارکت‌جویی از مردم در حل مسائل.

«ثنایی و عبدالحسین‌زاده» دو نمونه‌ی موفق از اجرای این راهکار را این‌گونه معرفی می‌کنند: سایت‌های زیادی برای ثبت و امضای دادخواست وجود دارد، سایت‌هایی که در آنها عموم افراد دادخواستی (عریضه) را ثبت کرده و سایرین با امضای آن عریضه، نوعی قدرت پشتیبانی اجتماعی را برای تحقق آن فراهم می‌کنند. سایت «ما مردم» هم یک سایت ثبت عریضه است، اما با یک ویژگی ممتاز: یک سایت دولتی با تعهدی دولتی. دولت او با ما سایت «ما مردم» را برای ثبت عریضه‌های مردم تأسیس و خود را متعهد کرد تا عریضه‌هایی که بتوانند در مدت زمانی مشخص، «آستانه» یا تعداد مشخصی امضا را جلب کنند را عملی کرده و یا در صورت هرگونه محصوریت (همچون عدم امکان، مصلحت خاص،...) با ارائه یک پاسخ رسمی علت عدم امکان اجرای آنرا اعلام کند. البته حد «آستانه»

عریضه‌ها در طول چند سال تأسیس خود (از سپتامبر ۲۰۱۱ تاکنون) چند مرتبه تغییر کرده، در حال حاضر این سیاست عبارت

است از:

• لزوم کسب ۱۵۰ رأی در عرض ۳۰ روز تا در سامانه «ما مردم» قابل جستجو شود؛

• لزوم کسب ۱۰۰ هزار رأی در عرض ۳۰ روز تا مشمول تعهد اجرا یا پاسخ دولت شود.

یکی دیگر از سایت‌هایی که چنین فعالیتی را انجام می‌دهد سایت پارلمان دولت انگلستان ۱۳ است. در این سایت نیز اگر مطالبات و عریضه‌هایی که مطرح شد، ۱۰ هزار نفر امضا کردند، دولت انگلستان مسئول پاسخگویی است و اگر ۱۰۰ هزار امضا جمع‌آوری شد، این عریضه به پارلمان برده می‌شود و نمایندگان بر روی آن بحث می‌کنند. نکته جالب توجه این است که فیلم مربوط به جلسه بررسی این عریضه در همین وب سایت قرار خواهد گرفت تا امضاکنندگان از روند بررسی عریضه و درنهایت سرنوشت مطالبه خود از مقامات دولتی بخوبی آگاه شوند.

توسعه دولت الکترونیک از دیگر راهکارهای موثر ارتقای مشارکت مردم است. «فرامرزی» در پژوهش خود با عنوان «دولت الکترونیک» درباره اثرات تحقق دولت الکترونیک بر مشارکت چنین می‌گوید: تقویت حکومت و توسعه مشارکت عمومی، ترقی دادن شفافیت و جوابگویی در دولت از طریق ازدیاد ICT در مدیریت و عملکردها، شانس مشارکت فعال‌تر شهروندان در فرایندهای سیاسی و تصمیمات دولت را به صورت موثری بهبود می‌بخشد (فرامرزی، ۱۳۸۷: ۱۸).

سایت‌های انتشار هر اندازه غنی در محتویات، تنها قدم اولیه هستند. دولت الکترونیک این پتانسیل را دارد که شهروندان را در فرآیندهای سیاسی و حکومت داری، از طریق فعل و انفعال با سیاستگذاران، شرکت کند. دولت الکترونیک فعل و انفعالی نیاز به ارتباطی دوطرفه دارد که می‌تواند از طریق ابزارهایی چون پست الکترونیک و یا فرم‌های بازخورد برای کاربران فراهم آورد (همان: ۲۰).

در زمینه‌ی حقوقی نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات می‌تواند به برداشتن گام‌هایی هرچند کوچک در زمینه‌ی توسعه مشارکت مردمی منجر شود. علاوه بر این لازم است قوانینی جدیدی در حوزه‌های مختلف و در جهت حمایت از مشارکت‌کنندگان تصویب شود. برای مثال می‌بایست قوانینی در زمینه‌ی حمایت مالی، معنوی و شغلی از گزارش‌گران فساد تصویب شود.

نکته‌ی دیگری که گاهی از نظر پنهان می‌ماند فرآیندهای قانون‌گذاری مشارکتی است. قانون‌گذاری مشارکتی به معنای جلب مشارکت عموم مردم و به‌خصوص نخبگان در فرآیندهای قانون‌نویسی است. برای نمونه می‌توان به برنامه «قانون اساسی مشارکتی» آفریقای جنوبی اشاره کرد. «ملک‌نژاد» در پژوهش خود این برنامه را این‌گونه معرفی می‌کند: به دنبال پایان یافتن آپارتاید، دولت تازه تأسیس آفریقای جنوبی تدوین پیش‌نویس قانون اساسی مشارکتی را شروع کرد. در عین عدم وجود پیشینه در زمینه دموکراسی مبتنی بر قانونی اساسی و وجود مبانی قانونی محدود در زمینه حقوق بشر، این کوشش گسترده به دنبال دریافت نظر شهروندان درباره محتوا و ساختار قانون اساسی پس از آپارتاید در این کشور بود. براساس این فرضیه که «تدوین قانون اساسی باید شفاف، باز و معتبر باشد»، دولت تلاشی سراسری در کشور را شروع کرد تا مشارکت شهروندان را به دست آورد. با استفاده از پویش تبلیغاتی هدفمند، کارگروه‌های مشارکتی و تماس از طریق «ارتباطات اجتماعی»، دولت تلاش کرد تا این پویش را تا حد امکان

جامع کند و تمرکز خاصی بر جمعیت‌های در حاشیه کرد. بعد از به دست آوردن بازخورد، شش کمیته موضوعی به بررسی موارد ارائه شده توسط عموم مردم پرداختند تا پیش‌نویس را اصلاح کنند. پیش‌نویس اصلاح شده به صورت گسترده به اشتراک گذاشته شد، از جمله با تمام کسانی که پیشنهاد ارائه کرده بودند، تا نظر نهایی خود را بدهند. وقتی بازبینی نهایی انجام شد، نسخه نهایی قانون اساسی به ادارات پست، مدارس و دیگر مکان‌های عمومی در سراسر کشور فرستاده شد (ملک‌نژاد، ۱۳۹۶: ۲۸).

۴-۲) راهکارهای ساختاری و فنی

در خصوص راهکارهای ساختاری و فنی باید بر این موضوع تأکید کرد که به منظور افزایش مشارکت مردم چه‌بسا نیاز باشد ساختار حاکمیت نیز دچار تغییراتی شود. با بازشدن درهای حاکمیت به روی مردم، به گونه‌ای که هم اطلاعات و مسائل حاکمیت با ارائه به مردم شفاف شود و هم امکان مشارکت مردم فراهم شود، بسیاری از ساختارها و نهادهای حاکمیت تغییر می‌یابند، حذف می‌شوند یا نقشهای جدیدی می‌گیرند و نهادهای جدیدی به وجود می‌آید. در مجموع، بسیاری از وظایف مشورتی و نظارتی و به‌طور کلی اطلاعاتی حاکمیت به مردم واگذار خواهد شد. حاکمیت، در این جایگاه جدید، بستری خواهد بود که امکان مشارکت مردم در حاکمیت را تسهیل و قواعد آن را تنظیم خواهد کرد. این امکان با ظهور ابزارهای نوین فاوا فراهم شده و افقهای جدیدی را پیش روی اندیشمندان قرار داده است. با ظهور عصر اطلاعات و ارتباطات، تغییرات به نحو بنیادین بر حاکمیتها تأثیر گذاشته‌اند (بوذرجمهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱).

در همین راستا نیاز است به‌طور ویژه به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تسهیل مشارکت مردم در برنامه‌های دولتی توجه شود. «دهستانی اسفندآبادی» در پژوهش خود با عنوان «همکاری دولت و سازمانهای مردم‌نهاد در توسعه» در مورد سازمان‌های مردم‌نهاد و نقش مشارکتی آنها می‌گوید: یکی از مسائلی که سازمانهای مردم‌نهاد را بین دولت‌ها و اجتماعات قابل اطمینان و اعتماد می‌کند شفافیت و پاسخگویی این سازمان‌هاست. یکی از شیوه‌های ترویج شفافیت و پاسخگویی، مشارکت ذی‌نفعان اجتماعات محلی در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و سایر فعالیت‌هاست. سازمان‌های مردم‌نهاد در بعضی از حوزه‌ها یک سری از نظام‌های اخلاقی را به منظور حفظ اعتماد و اعتبار خود نزد اجتماعات و دولت‌ها می‌پذیرند. در واقع سازمانهای مردم‌نهاد به‌طور عام اعتبارشان را از طریق توجه ویژه به شفافیت و پاسخگویی اثبات می‌کنند (دهستانی اسفندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۰).

فرآیند تدوین سیاست‌ها نه تنها باید دینامیک باشد، بلکه باید مشارکتی هم باشد. دولت‌ها به ضرورت باید راه نظام‌های تدوین سیاست‌ها را باز نگه دارند. در مراحل تدوین سیاست‌ها باید واقعیات جامعه در نظر گرفته شود بنابراین فرآیند تدوین سیاست‌ها با حضور پررنگ بخش غیردولتی معنا می‌یابد (همان: ۱۳). افزون‌بر این، نباید از ظرفیت بالای مفهوم «جمع‌سپاری» نیز غافل شد. باتوجه به پیشرفت‌های صورت گرفته به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات، روش‌های نوینی نیز در جلب مشارکت عامه علاوه بر روش‌های فوق مطرح شده است. یکی از این روش‌ها، روش جمع‌سپاری است. جمع‌سپاری راهی است برای بهبود روش‌های مشارکت سنتی (Brabham, 2010: 5).

۴-۳) راهکارهای فرهنگی و اجتماعی

باتوجه به ماهیت آسیب‌هایی که ذیل عنوان آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح شده‌است، باید طیفی از اقدامات انگیزه‌بخش و هویت‌ساز، ترویجی و آگاهی‌بخش انجام شود. یکی از اقدامات انگیزه‌بخش برای نهادهای دولتی در راستای ارتقای مشارکت‌جویی تعریف استانداردهای شفافیت برای هر گروه از سازمان‌ها و برگزاری رویدادهای مختلف جهت سنجش استانداردهای مذکور و تعیین رتبه بین آنهاست. برگزاری چالش‌ها و مسابقات حکومتی برای حل مسأله‌های حل‌نشده در قبال دریافت جایزه نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند در ارتقای مشارکت مردم به‌خصوص متخصصان امر بسیار موثر باشد. تعیین انگیزه‌های مالی در بسیاری از فرآیندهای مشارکت‌جویی موثر بوده است که چالش‌ها و انتفاع مالی در گزارش‌گری فساد دو مورد از آنهاست.

ترویج مفهوم حکمرانی باز نیز از دیگر اقداماتی است که نیاز به توجه ویژه دارد. مفهوم حاکمیت باز، به تعبیری نسخه‌ی دوم حاکمیت، به بازبودن درهای حاکمیت به روی مردم اشاره دارد. به این ترتیب که مردم بتوانند اتفاقات درون حاکمیت را مشاهده کنند و در آن مشارکت داشته باشند. ابتدا باید درهای حاکمیت به روی مردم باز باشد تا بتوانند اتفاقات درون آن را مشاهده کنند و مشکلات و ایرادات را ببینند. نسخه‌ی دوم حاکمیت، دربردارنده‌ی مشارکت گسترده‌ی مردم است؛ به این ترتیب که درهای حاکمیت به روی مردم باز است تا آنها بتوانند ایده‌ها، نظرها و راهکارهای خود را به دست حاکمیت برسانند و در حل مشکلات جامعه سهیم باشند. بنابراین، حاکمیت باز هم شفافیت و هم مشارکت حداکثری مردم در امور را دربر دارد (بودرجمهری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷).

ترویج نگاه رهبران حکومت نیز به‌خصوص بر روی طرفداران آن و اقشار مذهبی می‌تواند بسیار موثر باشد. مردمی بودن حکومت و ضرورت مشارکت آن‌ها در امور، یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران است که از همان ابتدای تاسیس تاکنون به‌طور مکرر در سخنان امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای مورد توجه و تاکید قرار گرفته‌است. تأمین مشارکت مردم در همه‌ی بخش‌ها، از راه‌های مختلف و متناسب با نیازها و شرایط روز و طراحی مدل‌های کارآمد و مقتضی زمان، یکی از مطالبات رهبری انقلاب است. ایشان مسئولین هر سه قوه را به بهره‌مندی از نیروی فکر، ابتکار، انگیزه و نشاط مردم به‌ویژه قشر جوان و «فراهم کردن زمینه‌های مشارکت» و طراحی مدل‌ها و فرمول‌های علمی، قابل فهم برای عموم و اعتمادبخش در این خصوص سفارش اکید می‌کند (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ی کانونی، جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی مشارکت عمومی دچار بیش از ۲۰ عارضه و آسیب است که پس از دو مرحله دسته‌بندی این عارضه‌ها، آن‌ها را در سه دسته‌ی حقوقی و سیاسی، فنی و ساختاری، و فرهنگی و اجتماعی جای دادیم.

«ضعف اراده‌ی سیاسی» و «فقدان یا ضعف قانونی» مهم‌ترین آسیب‌های حقوقی و سیاسی مشارکت مردمی به‌شمار می‌روند. این آسیب‌ها زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شوند که بدانیم نه تنها حکومت بلکه نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد نیز از اراده‌ی کافی

برای حلِ ضعف‌های فوق‌برخوردار نیستند. از جمله مهم‌ترین آسیب‌های ساختاریِ مشارکت عمومی را می‌توان غیرمستقیم بودنِ دموکراسی در جمهوری اسلامی ایران دانست. این موضوع موجب می‌شود که معمولاً منافع شخصیِ نمایندگان در قانون‌گذاری‌ها بر منافع عمومی ارجعیت پیدا کند. بی‌تردید در چنین شرایطی قوانین موضوعه در مرحله‌ی اجرا با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهند شد. در حوزه‌ی فنی نیز آسیب‌های جدی‌ای متوجه جمهوری اسلامی است که تنگ‌نظری‌ها و نبود اراده‌ی لازم برای به‌خدمت‌گیریِ فناوری‌های جدید در عرصه‌ی تعامل هرچه بیشتر مردم و حکومت از قابل‌توجه‌ترین این آسیب‌ها محسوب می‌شود.

یکی از ریشه‌های‌ترین آسیب‌های مشارکت مردم، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی است. در این باره می‌توان به نهادینگیِ فرهنگِ محرمانگی در میان مسئولان و عموم مردم، محدودکردن نقش مردم به مشروعیت‌بخشی به نظام در قالب راهپیمایی‌های مناسبتی و انتخابات و همچنین، عدم آگاهی لازم به حقوق و تکالیف شهروندی اشاره کرد که نقش بسیار مهمی را در عدم ایجاد شفافیت در ارکان حکومت و جامعه و به تبع آن، عدم مشارکت فعالانه‌ی مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

پس از فهم آسیب‌های مشارکت عمومی در ایران که با استفاده از یافته‌های گروه کانونی حاصل شد و پس از آن که راه‌حل‌های مواجهه‌ی صحیح و علمی با این آسیب‌ها در گروه به بحث گذاشته شد، ۳۵ راهکار برای آسیب‌های مطرح شده به دست آمد که در نهایت بعد از دو مرحله مقوله‌بندی این راهکارها، به سه مقوله‌ی پاسخ‌های سیاسی و حقوقی، فنی و ساختاری و فرهنگی و اجتماعی دست یافتیم. جدول زیر به اختصار راهکارهای ارتقای مشارکت مردم با محوریت شفافیت سیاسی را در سه سطح: (۱) پاسخ‌هایی که باید ارائه شود (یعنی پاسخ‌های سیاسی و حقوقی، فنی و ساختاری و فرهنگی و اجتماعی)، (۲) اقداماتی که برای ارائه‌ی پاسخ مناسب ضروری است، و (۳) راهکارهای متناظر برای هر اقدام، نشان می‌دهد.

راهکارهای ارتقای مشارکت مردم با محوریت موضوع شفافیت سیاسی			
مقوله‌ی دوم (پاسخ)	فرهنگی و اجتماعی	فنی و ساختاری	حقوقی و سیاسی
مقوله‌ی نخست (اقدام)	۱. اقدامات انگیزشی و هویت‌ساز ۲. اقدامات ترویجی ۳. اقدامات آگاهی‌بخش	۱. طراحی مجدد ساختارها ۲. تسهیل دسترسی عمومی و بهبود فرآیندها ۳. توسعه زیرساخت‌های سامانه‌ای ۴. تدوین برنامه‌ی جامع توسعه فنی	۱. مشارکت‌گیری نهادینه از مردم در شناسایی مسائل و ارائه‌ی راه‌حل ۲. توسعه‌ی دولت الکترونیک ۳. تدوین چشم‌انداز بلندمدت مشارکت ۴. بهره‌گیری از قوانین موجود

<p>۵. قانون گذاری های جدید در زمینه شفافیت و مشارکت</p>			
<p>۱-۱) اطلاع رسانی عمومی مشکلات و مسائل در دو سطح ملی و محلی ۲-۱) مشارکت گیری از مردم در شناسایی و اولویت بندی مسائل جدید در سطح ملی و محلی ۳-۱) مشارکت گیری از مردم در ارائه راه حل برای مسائل و اجرای آن ها در سطح ملی و محلی ۱-۲) ایجاد بسترهای موثر ارتباطی بین نهادهای حکومتی ۲-۲) ایجاد زیرساخت های دولت الکترونیک ۱-۳) شناسایی توانمندی های علمی و اجرایی جامعه ی نخبگانی و مردم ۲-۳) شناسایی و رصد زمینه های مشارکت مردم با توجه به اقتضائات بومی ۱-۴) تبیین و تفسیر قوانین به زبان ساده و اطلاع رسانی عمومی آن ها ۲-۴) استفاده از ظرفیت های قانونی جهت ایجاد شفافیت و مشارکت ۱-۵) شناسایی خلأ های قانونی برای ارتقای مشارکت نخبگان و عموم مردم ۲-۵) مشارکت گیری از تمامی نخبگان حقوقی در تدوین قوانین با استفاده از سامانه های قانون نویسی مشارکتی</p>	<p>۱-۱) حذف یا ادغام نهادها و سازمان های موازی با کارکرد مشابه ۲-۱) مدیریت تعارض منافع در نهادهای مختلف حاکمیتی ۳-۱) ایجاد نهاد تنظیم گر به منظور نظارت بر سامانه های مبتنی بر مشارکت عمومی ۴-۱) بهره گیری از ظرفیت های سازمان های مردم نهاد ۱-۲) تسهیل فرآیندهای رأی گیری از مردم و ارتقای حق اظهار نظر با توجه به ظرفیت های فضای وب ۲-۲) ایجاد سامانه هایی جهت ارتباط مستقیم و پیوسته نمایندگان مردم در شوراهای مختلف با مردم ۳-۲) ایجاد پایگاه های داده های سازمانی و ارتقای استفاده پذیری آن ها ۱-۳) توسعه مراکز ذخیره سازی داخلی داده های ملی ۲-۳) ایجاد پنجره واحد مشارکت گیری از مردم ۳-۳) توسعه شبکه ملی اطلاعات</p>	<p>۱-۱) ایجاد نشان استاندارد شفافیت برای سازمان های دولتی و خصوصی ۲-۱) برگزاری مسابقات حکومتی مبتنی بر شفافیت و ارائه داده با هدف افزایش مشارکت مردم ۳-۱) تعیین انگیزه های مالی در قبال مشارکت های خاص ۱-۲) ترویج مفهوم حکمرانی باز ۲-۲) ترویج فرهنگ گزارشگری فساد و سوت زنی ۳-۲) تبیین نقش و جایگاه مردم در حاکمیت اسلامی ۴-۲) ترویج نگاه دینی به شفافیت و مشارکت ۵-۲) استفاده از ظرفیت جامعه مدنی به عنوان پل ارتباطی عموم مردم و حاکمیت ۱-۳) افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی</p>	<p>کدها (راهکارهای متناظر)</p>

<p>۳-۲) راه اندازی آموزش های عمومی و دوره های آموزشی و علمی</p>	<p>۴-۱) بررسی و مرور تجربیات مثبت و اثربخش سایر کشورها در حوزه جمع سپاری ۴-۲) توسعه ی گام به گام و ارزیابی پیوسته ۴-۳) الگوگیری از تجربه ی سایر کشورها در زمینه ی بکارگیری فناوری های مبتنی بر اینترنت</p>	<p>۵-۳) تدوین قوانین حمایتی از مشارکت کنندگان به ویژه در حیطه های مبارزه با فساد</p>
---	--	--

فهرست منابع

- بوذرجمهری، حسین و همکاران (۱۳۹۸)، «شفافیت، مشارکت و حاکمیت باز، راهکارهای نوین چابک سازی حاکمیت»، سیاستنامه علم و فناوری، زمستان ۱۳۹۸، دوره ۹، شماره ۴.
- تاج مزینانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «مشارکت سیاسی جوانان: ابعاد و پویایی ها»، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره سوم.
- جباری، حبیب (۱۳۷۸)، «مشارکت و توسعه اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور.
- حساس یگانه، یحیی و خیر اللهی، مرشید (۱۳۸۷)، «حاکمیت شرکتی و شفافیت»، مجله حسابدار، شماره ۲۰۳.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰)، بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۲۰/۰۷/۱۳۹۰.
- دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۶)، «همکاری دولت و سازمانهای مردم نهاد در توسعه»، فرهنگ و تعاون، شماره ۴۷.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، ترجمه ی منوچهر صبوری، جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- عبدالحسین زاده، محمد و ثنایی، مهدی (۱۳۹۴)، «توانمندسازی خط مشی های عمومی، با رویکرد شفافیت و مشارکت»، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران: خط مشی گذاری عمومی.

- فرامرزی، محمد تقی (۱۳۸۷)، «دولت الکترونیک»، هنر مدیریت، شماره ۳.
- محسنی، منوچهر و جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: نشر آرون.
- ملک‌نژاد، محمدحسین (۱۳۹۶)، «برنامه مشارکت عمومی مجلس قانون اساسی آفریقای جنوبی»، مجله‌ی اندیشکده «شفافیت برای ایران»، دی ۱۳۹۶.
- میدری، احمد و خیرخواهان جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، تهران: روزنه
- Baumgartner, T.A, Strong, C.H, & Hensley, L.D. (2002), Conducting and reading research in health and human performance (3rd ed.). New York: Mc Graw-Hill
- Bellver, Ana & Daniel, Kaufmann (2005), Transparency: Initial empirics and policy applications. World Bank Policy Research Working Paper journal.
- Berg, B.L. (1989), Qualitative Research Methods for the Social Sciences, Allyn and Bacon, Boston.
- Brabham, D.C. (۲۰۱۰), Crowdsourcing as a model for problem solving: leveraging the collective intelligence of online communities for public good. The University of Utah.
- Chambers, S (2004), Behind Closed Doors: Publicity, Secrecy, and the Quality of Deliberation, The Journal of Political Philosophy: Volume 12, Number 4, 2004.
- Drabek, Zdenek & Payne, Warren (2002), The impact of transparency on foreign direct investment. Journal of Economic Integration journal.
- Mitchell, R. B (1998), Sources of transparency: information systems in international regimes, International Studies Quarterly journal, 42(1).
- Schauer, F (2011), Transparency in three dimensions, University of Illinois Law Review, ۲۰۱۱, ۴, ۱۳۳۹-۱۳۵۸.
- Wilkinson, S. (2004), Focus groups. Doing social psychology research, 344, 76
- Williams, A (2014), A global index of information and political transparency.